

شناخت فعل

درس اول

مهم‌ترین نشانه‌های تشخیص فعل در جمله:

**(الف)** کلمه‌ای که یکی از حروف «قد، ما، س و سوف، لم، لما، لن» بر سر آن بیاید.

مانند: قَدْ أَرْسَلْنَا، سَأَذْهَبُ، لَمَّا يَكْتُبُوا، لَنْ تَغْسِلَ

**(ب)** کلمه‌ای که آخرش تاء ضمیر (ت، تما، تم، ت، تن، ت) باشد.

مانند: عَلَّمْتُ، اسْتَحْرَجْتُنَّ، مَنَحْتُمُ، خَرَجْنَا

**(ج)** کلمه‌ای که آخرش تاء کشیده ساکنه (ت) باشد.

مانند: فَرِحَتْ، اسْتَعْمَلَتْ

**تاء مربوطه یا منقوطة (همان تاءِ گِرد فورمُون)** نشانه‌ی اسم است. مانند: منضدة (میز)، شجرة

**(د)** کلمه‌ای که دارای ضمیر «ی» باشد. مانند: تَكْتَبِينَ، إِذْهَبِي

**(هـ)** کلمه‌ای که آخرش مجزوم باشد (فقط فعل مجزوم می‌شود). مانند: لَمْ يَعْمَلْ، لَا تَكْتُبِي، لَمَّا يَخْرُجُوا، إِذْهَبْ

**جزم نشانه‌ی فعل، جر نشانه‌ی اسم و رفع و نصب میان آن‌ها مشترک است.**

**(و)** کلمه‌ای که آخرش نون تأکید آمده باشد. مانند: يَذْهَبِينَ، تَكْتَبِينَ، تَحْسَبِينَ

**نون تأکید بر دو نوع است، ثقیله (نون تشدیددار: ن) و خفیفه (نون ساکن: ن)**

**نون تأکید در فعل‌های مضارع و امر می‌آید و نون مشدّد در صیغه‌ی ۱۲ ماضی (مانند: ذَهَبْتُنَّ) نون تأکید نیست، بلکه جزئی از**

**ضمیر «تُن» می‌باشد. (هر گزری گزرو نیست.)**

**برای تشخیص صیغه‌ی فعل‌هایی که نون تأکید دارند (صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴) نون تأکید را حذف نموده و فتحه‌ی ماقبل آن**

**را به ضمه تبدیل می‌کنیم. مانند: يَقُولَنَّ ← يَقُولُ ← يَقُولُ (صیغه‌ی (۱))، تَحْسَبَنَّ ← تَحْسَبُ ← تَحْسَبُ (صیغه‌ی (۴) یا (۷))**

**در بعضی از جمله‌ها، فعل‌هایی را می‌بینیم که هیچ یک از نشانه‌های بالا را ندارند. در این موارد بهترین راه تشخیص، ترجمه است.**

**اگر کلمه‌ای معنای انجام کار یا روی دادن حالت در گذشته، حال و یا آینده را بدهد، فعل است.**

**مانند: أَكَلَ (خورد) که بر عمل خوردن در زمان گذشته دلالت دارد.**

تمرین‌های تستی

۱- آی جواب لیس من علامت الفعل؟

ت (۱)      سوف (۲)      ة (۳)      لم (۴)

۲- آی جواب یكون من علامت الفعل؟

الإضافة (۱)      التاء المربوطة (ة) (۲)      الجرّ (۳)      تاء التانیث الساکنة (ت) (۴)

۳- فی آی جواب ماجاء الفعل؟

(۱) هذه المراسیم قد انعقدت لتکریم ابی  
(۲) أسلمتم طائعين و هاجرتم مختارين  
(۳) هل جزاء الإحسان الا الإحسان  
(۴) ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتاً  
۴- كم فعلاً يوجد في العبارة التالية؟ «قال الله تعالى: يا أيها الذين آمنوا إصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلكم تفلحون»

ستة (۱)      سبعة (۲)      ثمانية (۳)      تسعة (۴)

۵- الفعلُ في أيِّ جوابٍ أكثرُ من واحدٍ؟

- (۱) فلا يَقُولَنَّ صاحبُ الأتْنَيْنِ لصاحبِ الواحدِ  
(۲) سَأَلَ أَحَدَ الأُمَرَاءِ حُكَمَاءَ بِلَادِهِ عَن أخطرِ الأُمراضِ  
(۳) نَشَأَتِ الفِئَةُ الشاعِرَةُ في بَيْتِ السِّيَادَةِ وِ الفِروسيَةِ و ...  
(۴) قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ في السَّمَاوَاتِ وِ الأَرْضِ

۶- ما هو الصَّحِيحُ عَن صِيغَةِ فعلِ «تَحَسَّنَ» في العبارة؟ «ولا تَحَسِّنَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا في سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بل ...»

- (۱) للغائبِ (۲) للمخاطبِ (۳) للمخاطبينِ (۴) للمخاطباتِ

۷- كمَ فعلاً يُوجَدُ في العبارةِ التَّالية؟ «حينَ شَاهَدَهُمُ الطَّائِرُ خَافَ وِ بَدَأَ بِالطَّيْرانِ»

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) اربعة

۸- الفعلُ في أيِّ جوابٍ أكثرُ مِنَ البقيَّة؟

- (۱) إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وِ يَغْفِرْ لَكُمْ  
(۲) و ما أَكْثَرَ الإِخوانِ حينَ تَعَدَّهُم وِ لَكِنَّهُم في النَّائباتِ قَليلٌ  
(۳) قالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَلْقِها يا مُوسى فَأَلْقَها فإذا هي حَيَّةٌ تَسعى»  
(۴) قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ الحَديدَ لِيَمْتَحِنَ عِبادَهُ في الدِّفاعِ عَن مَجْتَمَعِهِمُ الصَّالِحِ

### صيغته يا ساخت فعل

#### درس دوم

فعل (چه ماضی و چه مضارع)، دارای چهارده صیغه است. نام و شماره‌ی هر یک از صیغه‌ها، به شرح زیر می‌باشد:

(۷) تَفَعَّلَ: مفرد مذكر مخاطب (للمخاطب)	مذكر	مخاطب	(۱) يَفَعَّلُ: مفرد مذكر غائب (لِلغائب)	مذكر	غائب
(۸) تَفَعَّلَانِ: مثنى مذكر مخاطب (لِلْمخاطِبَيْنِ)			(۲) يَفَعَّلَانِ: مثنى مذكر غائب (لِلغائِبَيْنِ)		
(۹) تَفَعَّلُوا: جمع مذكر مخاطب (لِلْمخاطِبِينَ)			(۳) يَفَعَّلُوا: جمع مذكر غائب (لِلغائِبِينَ)		
(۱۰) تَفَعَّلِينَ: مفرد مؤنث مخاطب (لِلْمخاطِبَةِ)	مؤنث	مخاطب	(۴) تَفَعَّلِي: مفرد مؤنث غائب (لِلغائِبَةِ)	مؤنث	غائب
(۱۱) تَفَعَّلَانِ: مثنى مؤنث مخاطب (لِلْمخاطِبَتَيْنِ)			(۵) تَفَعَّلَانِ: مثنى مؤنث غائب (لِلغائِبَتَيْنِ)		
(۱۲) تَفَعَّلْنَ: جمع مؤنث مخاطب (لِلْمخاطِبَاتِ)			(۶) يَفَعَّلْنَ: جمع مؤنث غائب (لِلغائِبَاتِ)		
			(۱۳) أَفَعَّلَ: متکلم و صره (لِلْمتکلم و صره)	وحده	متکلم
			(۱۴) تَفَعَّلَ: متکلم مع الغیر (لِلْمتکلم مع الغیر)	مع الغیر	

دو صیغه‌ی متکلم وحده و مع الغیر، برای مذكر و مؤنث یکسان است.

### تمرین تستی

۹- ما هي صيغة «نبتا»؟

- (۱) لِلغائِبَيْنِ (۲) لِلغائِبَتَيْنِ (۳) لِلْمخاطِبَتَيْنِ (۴) الأُول وِ الثَّانِي

۱۰- ما هو الخطأ فيما يلي؟

- (۱) يُفَكِّرَنَّ (لِلغائِبَاتِ) (۲) تَذْهَبِينَ (لِلْمخاطِبَةِ) (۳) أَنْ يُعاشِرُوا (لِلغائِبِينَ) (۴) لا يُبَيِّنُ (لِلغائِبِ)

۱۱- ما هو الصَّحِيحُ فيما يلي؟

- (۱) أَنْصُرِي (لِلْمخاطِبِ) (۲) لِيَذْهَبَنَّ (لِلغائِبِ) (۳) تَذْهَبَانِ (لِلغائِبَتَيْنِ) (۴) تَدْعِينِ (لِلْمخاطِبَاتِ)

۱۲- ما هو الخطأ عن فعل «تكتبان»؟

- (۱) لِلغائِبَتَيْنِ (۲) لِلْمخاطِبَيْنِ (۳) لِلْمخاطِبَتَيْنِ (۴) لِلغائِبَيْنِ



## زمان فعل (ماضی، مضارع، امر)

درس سوم

### فعل ماضی

فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. با توجه به معنای فارسی آن به ۶ دسته تقسیم می‌شود:

۱) **ماضی ساده یا مطلق:** به صرف معمول چهارده صیغه‌ی فعل ماضی، ماضی ساده یا مطلق گویند. برای ساختن چهارده صیغه‌ی ماضی، کافی است به ریشه‌ی فعل (اولین صیغه‌ی فعل ماضی) شناسه (ا - و - ا - ن - ت - تَ - تُم - تِ - تُمَا - تُن - تُ) اضافه نماییم، مانند:

فَعَلْتُ	مذکر	مخاطب	فَعَلْتَ	مذکر	غائب
فَعَلْتُمَا			فَعَلُوا		
فَعَلْتُمْ			فَعَلْتُمْ		
فَعَلْتِ	مؤنث		فَعَلْتِ	مؤنث	
فَعَلْتِمْ	مؤنث		فَعَلْتِمْ	مؤنث	
فَعَلْتَنَ			فَعَلْنِ		
			فَعَلْتُ	وحده	متکلم
			فَعَلْنَا	مع الغیر	

#### نمونه تستی

ما هی صیغَةُ «کَتَبْتُمَا»؟

(۲) للمخاطبتین

(۱) للغائبتین

(۴) الثانی و الثالث

(۳) للمخاطبتین

پاسخ: گزینه «۴» صیغه‌های «للمخاطبتین و للمخاطبتین» در

ماضی شبیه به هم بوده و فقط در جمله از هم قابل تشخیص‌اند.

۱) صیغه‌های (۱ و ۴) شناسه ندارند و «ت» در

صیغه‌ی (۴) شناسه نیست بلکه تاء تأنیث است.

۲) شناسه‌ها همان ضمائر متصل مرفوعی

هستند که در فعل معلوم (فعلی که فاعل آن مشخص است)،

نقش فاعل، در فعل مجهول (فعلی که فاعل آن مشخص

نمی‌باشد)، نقش نائب فاعل و در افعال ناقصه، نقش اسم این

افعال را دارند. (در بخش بعد مفصلاً توضیح داده شده است)

۳) صیغه‌های «للمخاطبتین و للمخاطبتین» در فعل ماضی، شبیه به هم هستند و فقط در جمله از هم قابل تشخیص می‌باشند. (همون

صیغه‌های (۱ و ۱۱))

۴) **ماضی منفی ساده:** فعل ماضی ساده‌ای است که بر سر آن «ما» نافیه آمده باشد. مانند: «خَرَجُوا» (خارج شدند) ← «ما خَرَجُوا» (خارج

نشدند) / «کَتَبْتُمْ» (نوشتید) ← «ما کَتَبْتُمْ» (ننوشتید)

۱) برای بدست آوردن **معنای ماضی منفی**، می‌توان حرف جازمه «لَمْ» را بر سر هر یک از چهارده صیغه فعل مضارع ساده قرار دهیم و

آخرش را مجزوم نماییم. («لَمْ + فعل مضارع» و «ما + فعل ماضی» هر دو به صورت **ماضی منفی ترمیمه می‌شوند**، **فودشو ناراهت نکر!**)

مانند: «يَذْهَبُونَ» (می‌روند) ← «لَمْ يَذْهَبُوا» (نرفتند) «يَأْكُلُونَ» (می‌خورند) ← «لَمْ يَأْكُلُوا» (نخوردند)

#### نمونه تستی

(سراسری اقتصادی انسانی ۸۵)

عَيْنُ الْأَصْحَبِ وَالْأَدْقِ:

«لَمْ يَسْتَطِعِ الْأَعْدَاءُ أَنْ يَكْسِرُوا ظَهْرَ الْمُجَاهِدِينَ الْمُسْلِمِينَ فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ»

(۱) دشمنان نتوانستند که پشت رزمندگان مسلمان را در جنگ تحمیلی بشکنند.

(۲) دشمنان نمی‌توانند پشت سلحشوران اسلام را در جنگ تحمیلی بشکنند.

(۳) دشمنان ما قادر نمی‌باشند جنگاوران مجاهد ما را در جنگ تحمیلی شکست بدهند.

(۴) دشمنان ما قادر نیستند پشت مجاهدان اسلام را در جنگ تحمیلی به خاک برسانند.

پاسخ: گزینه «۱» فقط در این گزینه مضارع مجزوم به لَمْ (لَمْ يَسْتَطِعَ) به صورت ماضی منفی ترجمه شده است.

﴿۲﴾ «لَمْ + فعل مضارع ساده» از نظر معنای فارسی، معادل «ما + فعل ماضی ساده» است. مانند:

ما زُهِبُوا	نرفتند
لَمْ يَزُهِبُوا	نرفتند

﴿۳﴾ مضارع مجزوم به «لَمْ» علاوه بر ماضی منفی، به صورت ماضی نقلی منفی نیز ترجمه می‌شود. (یادت که نرفته، ماضی نقلی همونیه که به آخر فعلش ۴، ای، است و ... اضافه می‌کنیم.)

مانند: «لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آیا ندانستی - ندانسته‌ای - که خدا مالکیت آسمان‌ها و زمین را دارد.)

﴿۴﴾ هر چند مضارع مجزوم به «لَمْ» معنای ماضی منفی و یا ماضی نقلی منفی می‌دهد اما در تحلیل صرفی (تجزیه)، فعل مضارع محسوب می‌شود.

﴿۵﴾ ماضی نقلی مثبت: برای ساختن آن، حرف تحقیق «قد» را بر سر هر یک از چهارده صیغه‌ی فعل ماضی ساده قرار می‌دهیم.

مانند: «التَّلَامِيذُ قَدْ كَتَبُوا تَكَالِيفَهُمُ الدِّرَاسِيَّةَ» (دانش‌آموزان تکالیف درسی‌شان را نوشته‌اند.)

### نمونه سستی

(سراسری تهرپی ۸۲)

عَيْنُ الْأَصْحَ وَالْأَدَقُّ:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ حَرَّضَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ أَيُّنَمَا وَجَدُوهُ»

(۱) اسلام مسلمانان را به کسب علم - هر جا آن را بیابند - تشویق کرده است.

(۲) اسلام مسلمانان را تشویق می‌نماید که علم را - هر جا باشد - کسب کنند.

(۳) مسلمانان را فقط اسلام تشویق می‌نماید که هر جا باشند به کسب علم بپردازند.

(۴) مسلمانان به وسیله اسلام حریص شده‌اند که هر جا علم را بیابند آن را به دست آورند.

پاسخ: گزینه «۱» فعل «قَدْ حَرَّضَ» در دو گزینه (۱) و (۴) به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است. در گزینه (۴) «قَدْ حَرَّضَ» به اشتباه به صورت «حریص شده‌اند» ترجمه شده است.

﴿۶﴾ هرگاه حرف «قد» بر سر فعل مضارع بیاید، در ترجمه آن از کلماتی مانند «به ندرت، گاهی اوقات، بعضی وقت‌ها» استفاده می‌کنیم.

مانند: «لِنَعْلَمُ أَنَّهُ قَدْ يَكُونُ التَّغَاضِي عَنْ خَطَاةِ الطِّفْلِ أَفْضَلَ مِنَ مَعَاقِبَتِهِ» (باید بدانیم که گاهی چشم‌پوشی از خطای کودک، بهتر از مجازات اوست.)

«إِنَّ الرَّحَاءَ قَدْ يُفْسِدُ الطَّبِيعَةَ الْبَشَرِيَّةَ» (گاهی اوقات سستی و کاهلی، طبیعت بشریت را فاسد می‌کند.)

﴿۷﴾ ماضی نقلی منفی: فعل مضارع ساده‌ای است که به وسیله «لَمَّا» مجزوم شده باشد، مانند: «لَمَّا أَذْهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ» (هنوز به مدرسه نرفته‌ام.)

«لَمَّا أَرَأَيْتُ مَنْ صَبْرًا» (هنوز کسی را بردبارتر از او ندیده‌ام.)

﴿۸﴾ آوردن لفظ «هنوز» در ترجمه‌ی مضارع مجزوم به «لَمَّا» الزامی نیست.

﴿۹﴾ «لَمْ و لَمَّا» فعل مضارع پس از خود را مجزوم نموده و معنای آن را به ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی تبدیل می‌کنند.

﴿۱۰﴾ به فعل مضارع مجزوم به «لَمْ و لَمَّا»، فعل جَحَدَ (انکار کردن) گویند.

﴿۱۱﴾ «لَمْ» فقط بر سر فعل مضارع می‌آید. اما «لَمَّا» بر سر فعل ماضی نیز می‌آید که در این حالت اسم است و نقش مفعول‌فیه (ظرف)

دارد و به صورت «وقتی، هنگامی که، چون و ...» ترجمه می‌شود.

مانند: «لَمَّا سَمِعْتُ الْمَدِيرَةَ خَيْرَ مَرَضٍ تَلْمِيذَتِهَا» (وقتی مدیر خبر بیماری دانش‌آموزش را شنید.)

«لَمَّا أَلْقَيْتُ عَصَايَ إِلَى الْأَرْضِ بَدَأَ لِي أَنَّهُا حَيَّةٌ تَسْعَى» (چون عصای خود را بر زمین افکندم، به نظرم آمد که ماری جست و خیزکنان است.)

﴿۱۲﴾ چنانچه «لَمَّا» فعل مضارع پس از خود را مجزوم نکرده باشد نیز، مفعول‌فیه است و به صورت «وقتی، هنگامی که، چون و ...» ترجمه می‌شود.

مانند: «لَمَّا نَذَّهَبُ» (هنگامی که می‌رویم) / لَمَّا يَأْكُلُ الطَّعَامَ (وقتی که غذا می‌خورد)

﴿۱۳﴾ ماضی بعید: صرف فعل «کان» را با حرف «قد» یا بدون آن، بر سر صیغه‌های ماضی ساده قرار می‌دهیم (ماضی بعید هم که انشاءالله یارتونه، به آخر

فعل، شناسه‌های بودم، بودی، بود و ... اضافه می‌کنیم.)

مانند: «كَانُوا قَدْ جَلَسُوا» (نشسته بودند) «كُنْتُمْ قَدْ كَتَبْتُمْ» (نوشته بودید)



عَيْنَ الْأَصْحَِّ وَالْأَدَقِّ:

«كَانَ الْعُلَمَاءُ الْمَسْلُومُونَ قَدْ أَلْفَوْا كِتَابًا وَرِسَالَةً عَدِيدَةً فِي الْعُصُورِ الْمَخْتَلِفَةِ»

- ۱) دانشمندان مسلمان کتب و رساله‌هایی متنوع در زمان‌های متعددی تالیف کرده‌اند.
  - ۲) محققان مسلمان کتاب‌ها و مقالات متعددی را در دوران گوناگون تالیف می‌کردند.
  - ۳) علمای مسلمان کتاب‌ها و رسایل گوناگون را در عصرها و زمان‌های مختلف نگاشته‌اند.
  - ۴) دانشمندان مسلمان کتاب‌ها و رساله‌های متعددی را در عصرهای گوناگون تالیف کرده بودند.
- گزینه «۴» تنها در این گزینه فعل «کان ... قد أَلْفُوا» به صورت ماضی بعید ترجمه شده است.

حرف «قد» بین فعل کان و فعل ماضی، برای تاکید بیشتر است. (فعل «کان» با حرف «قد» یا بدون آن به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.) مانند:

ماكنتُ قد رايتُهُ مسروراً	او را فوشمال نديره بودم.
ماكنتُ رايتُهُ مسروراً	

هرگاه دو جمله‌ی مرتبط با هم به گونه‌ای پشت سر یکدیگر قرار گیرند که فعل موجود در هر دو جمله ماضی باشد، فعل ماضی جمله‌ی دوم را به صورت **ماضی بعید** ترجمه می‌کنیم.

مانند: «بَعْتُ قَلَمًا / قَدْ اشْتَرَيْتُهُ مِنَ السُّوقِ» (قلمی را فروختم که آن را از بازار خریدم بودم.)

«خَرَجَ الْمُعَلِّمُ / وَ قَدْ عَلَّمْنَا أَشْيَاءَ كَثِيرَةً» (معلم خارج شد، در حالی که مطالب زیادی را به ما آموخته بود.)

**۶ ماضی استمراری:** فعل «کان» را بر سر صیغه‌های مضارع ساده قرار می‌دهیم. (اینم که تا بلوتر از همه، می) رو میاریم سر فعل ماضی)

مانند: «كَانُوا يَعْلَمُونَ» (می‌دانستند) «كُنْتُمْ تَكْتُبُونَ» (می‌نوشتید)

## نمونه تستی

(سراسری تهرپی ۸۲)

عَيْنَ الْأَصْحَِّ وَالْأَدَقِّ:

«مَا كَانَتْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنَاتُ يَمْدَحْنَ أَنْفُسَهُنَّ عِنْدَ الْآخِرِينَ»

- ۱) این‌ها که از خود نزد دیگران ستایش می‌کردند، زنان باایمان نیستند.
  - ۲) این‌ها زنان مومنی هستند که خود را در پیش دیگران ستایش نمی‌کنند.
  - ۳) این زنان مومن خود را نزد دیگران مدح و ستایش نمی‌کردند.
  - ۴) آن مومنان خویشتن را در مقابل دیگری مدح نکرده‌اند.
- گزینه «۳» تنها در این گزینه فعل «كانت ... يمدحن» به صورت ماضی استمراری منفی ترجمه شده است.

هرگاه فعل ماضی یا مضارع بدون فاصله پس از فعل «کان» بیاید، باید از نظر صیغه (جنس و عدد) با یکدیگر مطابقت داشته باشند.

(فلاصه از نظر مفرد، مثنی، جمع و یا مکرر و مؤنث بودن، به هم بیان)

مانند: کانا قد ذهبنا - کانوا قد ذهبوا - کانتا قد ذهبتا - کن قد ذهبتن

کانا یذهبان - کانوا یذهبون - کانتا تذهبان - کن یذهبن

در صورتی که اسم ظاهری بین فعل «کان» با فعل ماضی یا مضارع بیاید، فقط از نظر جنس باید با هم مطابقت کنند. (این توضیح فقط در مورد صیغه‌های غائب صادق است.)

مانند: کان التلمیذان قد ذهبنا - کان التلامیذ قد ذهبوا - کانت التلمیذتان قد ذهبتا - کانت التلمیذات قد ذهبتن

کان التلمیذان یذهبان - کان التلامیذ یذهبون - کانت التلمیذتان تذهبان - کانت التلمیذات یذهبن

هرگاه دو جمله مربوط به هم به گونه‌ای پشت سر هم قرار گیرند که در جمله اول فعل ماضی و در جمله دوم فعل مضارع آمده باشد، فعل مضارع جمله دوم را به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

مانند: «رأيتُ تلميذاً يذهب إلى المدرسة» (دانش‌آموزی را دیدم که به مدرسه می‌رفت).

ماضی مضارع / و هی تتكلم باللغة العربية (معلم آمد در حالی که به زبان عربی سخن می‌گفت).

ماضی مضارع / رأيتُ ظيلاً يمشى بهدوء (آهویی را دیدم که به آرامی راه می‌رفت).

هر یک از اقسام ماضی (ساده - بعید - استمراری) با حرف «ما» نافیهِ منفی می‌شوند.

مانند: ما خرجَ (خارج نشد) / ما كانوا قد ذهبوا (نرفته بودند) / ما كان يكتُبُ (نمی‌نوشت)

برای منفی کردن ماضی استمراری می‌توان به جای آوردن حرف «ما» بر سر فعل «کان» حرف «لا» را بر سر فعل مضارع بیاوریم. مانند: کان لایکتبُ: نمی‌نوشت.

## فعل مضارع

فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالت در زمان حال و آینده دلالت دارد و با توجه به معنای فارسی آن به ۵ دسته تقسیم می‌شود:

**۱) مضارع ساده:** به صرف معمول چهارده صیغهی فعل مضارع، مضارع ساده یا اخباری گویند. مانند:

تَفَعَّلُ	مذكر	مخاطب	يَفْعَلُ	مذكر	غائب
تَفْعَلَانِ			يَفْعَلَانِ		
تَفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ				
تَفْعَلِينَ	تَفْعَلُ				
تَفْعَلَانِ	تَفْعَلَانِ				
تَفْعَلْنَ	يَفْعَلْنَ				
			أَفْعَلُ	وحده	متكلم
			نَفْعَلُ	مع الغير	

### نمونه تستی

ما هي صيغة «تكتبان»؟

۱) للغائبين

۲) للمخاطبين

۳) للمخاطبتين

۴) كل الأجوبة صحيحة

گزینه «۴» صیغه‌های

«لِالْمَخَاطَبِينَ، لِلْمَخَاطَبَاتِ، لِلْمَخَاطَبَاتِ» در

مضارع شبیه به هم بوده و فقط در جمله از

هم قابل تشخیص‌اند.

برای ساختن چهارده صیغهی فعل مضارع، علاوه بر اضافه نمودن شناسه‌ها

(ا - و - ا - ن - ا - و - ی - ا - ن) به ریشه‌ی فعل و مرفوع نمودن آخر آن، یکی از نشانه‌های مضارعه (اتین) را نیز باید به ابتدای ریشه اضافه نماییم. (ا، ت، ی و ن از نشانه‌های فعل مضارع هستند که برای راحتی بهوشون می‌گیریم «اتین»)

شناسه‌ها همان ضمایر متصل مرفوعی هستند که در فعل معلوم، نقش فاعل، در فعل مجهول، نقش نائب‌فاعل و در افعال ناقصه، نقش اسم این افعال را دارند.

صیغه‌های «لِالْمَخَاطَبِينَ»، «لِالْمَخَاطَبَاتِ» و «لِالْمَخَاطَبَاتِ» در مضارع شبیه به هم‌اند و فقط در جمله از هم قابل تشخیص می‌باشند. (همون صیغه‌های (۵، ۸ و ۱۱))

**۲) مضارع منفی (فعل نفی):** فعل مضارع ساده‌ای است که «لا» نافیهِ غیرعامل بر سر آن آمده باشد. (یعنی حرکت حرف آخر فعل مضارع رو عوض نمی‌کنه)

مانند: لا یشرّبون (نمی‌نوشند) / لا تکتبون (نمی‌نویسید) / لا یخرجان (خارج نمی‌شوند)

**۳) مضارع مستقبل مثبت:** با قراردادن یکی از حروف غیرعامل «س»، «سوف» بر سر هر یک از چهارده صیغهی فعل مضارع، ساخته می‌شود.

«سَوْفَ نَذْهَبُ» (خواهیم رفت)

مانند: «سَأَغْسِلُ» (خواهم شست)

معمولاً «س» بر آینده نزدیک و «سوف» بر آینده دور دلالت دارد. به همین دلیل در ترجمه مضارع مستقبل با حرف «سوف»، گاهی از لفظ «بالاخره» استفاده می‌شود. یعنی قطعیت انجام فعل در مضارع مستقبل با حرف «سوف» از مضارع مستقبل با حرف «س» کمتر است.

«سَوْفَ أُغْسِلُ» (بالاخره خواهم شست)

مانند: «سَأَغْسِلُ» (بزودی خواهم شست)



## نمونه تستی

(سراسری ریاضی ۸۱)

عَيْنُ الْأَصْحَ وَالْأَدَقُّ:

«المؤلفات الإسلامية في هذه السنة سيزيدُ عددُها أكثرَ من مأتين...»

(۱) امسال تعداد تألیفات اسلامی به بیش از دویست تا افزایش پیدا خواهد کرد.

(۲) امسال زنان مؤلف اسلامی افزون بر دویست تألیف دارند.

(۳) در این سال تألیفات اسلامی بالغ بر یکصد تألیف است.

(۴) در این سال تألیفات اسلامی، بیش از یکصد عدد خواهد شد.

گزینه «۱» این گزینه و گزینه (۴) فعل «سزید» را به صورت مضارع مستقبل ترجمه کرده‌اند، ولی در گزینه (۴) «مأتین» به

اشتباه به صورت یکصد ترجمه شده، پس گزینه (۱) صحیح می‌باشد.

مضارع مستقبل منفی: فعل مضارع ساده‌ای است که با حرف ناصبه‌ی «لَنْ» منصوب شده باشد.

مانند: «لَنْ تَكْتُبُوا» (هرگز نخواهید نوشت). «لَنْ يَذْهَبَ» (هرگز نخواهند رفت).

آوردن لفظ «هرگز» در ترجمه مضارع منصوب به «لَنْ»، الزامی نیست.

## نمونه تستی

(سراسری ریاضی ۸۵)

عَيْنُ الْأَصْحَ وَالْأَدَقُّ:

«لَنْ نَسْمَحَ للمستكبرين أَنْ يَدْخُلُوا في شؤوننا الاجتماعية و السياسية»

(۱) اجازه‌ی دخالت در امور جامعه و در سیاست خود را به مستکبران نمی‌دهیم.

(۲) به مستکبران اجازه نخواهیم داد که در امور اجتماعی و سیاسی ما وارد شوند.

(۳) به استکبارگران اجازه نمی‌دهیم که در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ما داخل شوند.

(۴) سخن مستکبران را دایر بر این که در کارهای اجتماعی و سیاسی ما مداخله کنند نمی‌شنویم.

گزینه «۲» تنها این گزینه فعل «لَنْ نَسْمَحَ» را به صورت آینده منفی ترجمه کرده است.

مضارع التزامی: مواردی که فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود، عبارتند از:

الف) مضارع منصوب به حروف ناصبه (أَنْ، كَيْ، تَا، تَا این که، لَكِي، تَا، تَا این که، إِذَنْ، پَس، بِنَابَرِین، حَتَّى: تَا، تَا این که و لِ: برای این که)

مانند: «أَنْ يَذْهَبَ» (این که برود) «حَتَّى تَكْتُبُوا» (تا، تا این که بنویسید)

«حَتَّى يَتَحَرَّرُوا» (تا، تا این که آزاد شوند) «أَنْ يُعِدُّوا» (که، این که دور سازند)

## نمونه تستی

(سراسری عمومی انسانی ۸۳)

عَيْنُ الْأَصْحَ وَالْأَدَقُّ:

«يُرَى الظالمون أنفسهم قادرين على كلِّ شيءٍ لِيَسْتَمِرُّوا الآخِرِينَ»

(۱) ظالمان برای بهره‌کشی از دیگران خود را نیرومند و قادر بر هر کاری نشان می‌دهند.

(۲) ستمگران برای استثمار دیگران هرکاری را انجام می‌دهند تا خود را توانا نشان دهند.

(۳) ستمگران از دیگران بهره‌کشی می‌کنند تا خود را توانا بر هر کاری جا بزنند.

(۴) ظالمان خود را برای انجام هرکاری توانا نشان می‌دهند تا دیگران را استثمار کنند.

گزینه «۴» تنها در این گزینه فعل مضارع منصوب «لِيَسْتَمِرُّوا» به صورت مضارع التزامی (تا استثمار کنند) ترجمه

شده است.

ب) امر غائب یا امر به (لِي)

مانند: «لِيَأْكُلُوا» (باید بخورند) «لِيَعْمَلْنَ» (باید عمل کنند)

«لِيُعَلِّمَ» (باید بداند) «لِيُرْشِدُوا» (باید ارشاد کنند)

نمونه تستی

(سراسری هنر ۱۵)

عین الخطأ:

- ۱) ما مُنِعَتِ الْأُمَّةُ الْإِسْلَامِيَّةَ عَنِ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الْأَرْزَاقِ: امت اسلامی از روزی‌های پاکیزه منع نشده است.
- ۲) كان المسلمون قد اكتسبوا درجات علمية عالية في الماضي: مسلمانان درجات علمی والایی را در گذشته به‌دست آورده بودند.
- ۳) لِيَعْلَمَ الطَّلَابُ أَنَّ النَّجَاحَ فِي الْإِجْتِهَادِ لَا فِي التَّكَاثُلِ: دانش‌آموزان می‌دانند که موفقیت در تلاش است، نه در بیکاری.
- ۴) للفواكه فوائد كثيرة و هي توفر طعام الإنسان و الحيوان: میوه‌ها فوائد بسیاری دارند و آن‌ها غذای انسان و حیوان را مهیا می‌سازند.

پاسخ

ج) فعل شرط (چه ماضی باشد چه مضارع)

مانند: «إِنْ تَدْرُسْ تَنْجَحْ» (اگر درس بخوانی موفق می‌شوی - موفق خواهی شد).  
فعل شرط

توضیح

فعل جواب شرط نیز چه ماضی باشد و چه مضارع، به‌صورت مضارع اخباری یا آینده ترجمه می‌شود. (مانند مثال بالا)

پادرتی

«إِنْ، مَنْ، مَا، مَتَى و ...» هرگاه بر سر دو جمله بیابند، فعل اول را به عنوان فعل شرط و فعل دوم را به عنوان جواب شرط مجزوم می‌کنند. (برای توضیح بیشتر به درس اعراب فعل مضارع در بخش ۲ مراجعه کنید)

نمونه تستی

(سراسری عمومی انسانی ۱۳)

عین الأصحَّ والأدقَّ:

«إِنْ تَشَاهَدِ الْمَكَانَةَ الرَّيْعَةَ لِلْعُلَمَاءِ تَعَزَّمْ عَلَى تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَ التَّقَدُّمِ فِيهَا»

- ۱) موقعی که مقامی بلند را برای عالمان دریافتی، قصد یادگیری علوم و پیشروی در آنها را خواهی کرد.
- ۲) اگر جایگاه بلند دانشمندان را مشاهده کنی، نسبت به یادگیری علوم و پیشرفت در آنها تصمیم می‌گیری.
- ۳) هنگامی که مقام شامخ اندیشمندان را دیدی، بر فراگیری دانش‌ها و پیشرفت در آنها عزم و همت کن.
- ۴) در صورتی که موقعیت والای بزرگان را مشاهده کردی، در فراگرفتن علم و پیشرفت در آن اراده کن.

پاسخ

گزینه «۲» تنها این گزینه فعل شرط (تَشَاهَدِ) را به‌صورت مضارع التزامی (مشاهده کنی) ترجمه کرده است.

توضیح

موارد «ه» و «و» در ترجمه بسیار کاربرد دارند (هی نگین کتابتون مطلب فارغ از کتاب داره)

د) فعل‌هایی که بر دعا و نفرین و یا بر وقوع اموری در آینده (مثل وقایع روز قیامت) دلالت دارند.

مانند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ» (خداوند از تو راضی باد).  
راضی شد

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (هنگامی که خورشید بی‌فروغ گردد و هنگامی که ستارگان تیره شوند).  
بی‌فروغ گردید / تیره شد

ه) هر گاه خبر «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» فعل مضارع باشد.

مانند: «لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ» (ای کاش دوستی میان مردم برپا شود).  
برپا می‌شود

و) هر گاه فعل مضارع پس از افعال طلبی (امر و نهی) بیاید. در این صورت فعل مضارع مجزوم شده و به‌صورت مضارع التزامی با حرف ربط «تا» ترجمه می‌شود.

مانند: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم).  
فعل طلبی (امر)

«تَعَالَى نَدَّهَبُ» (بیا تا برویم).  
فعل طلبی (امر)

هرگاه دو جمله مربوط به هم به‌گونه‌ای پشت‌سر هم قرار گیرند که فعل هر دو جمله مضارع باشد، فعل مضارع جمله‌ی دوم را به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.

مانند: «أَفْتَشُ عَنْ كِتَابٍ / يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.» (به‌دنبال کتابی می‌گردم که مرا در فهم متن‌ها یاری کند).  
مضارع / مضارع

«أُسَاعِدُ مَنْ / يُسَاعِدُنِي فِي الدَّرُوسِ.» (کسی را یاری می‌کنم که مرا در درس‌ها یاری کند).  
مضارع / مضارع

فعل امر

فعلی که بر درخواست انجام کار دلالت دارد و بر دو نوع است: ۱- امر مثبت ۲- امر منفی (فعل نهی)

امر مثبت: بر ۲ نوع است: الف: امر غائب (امر به ل) ب: امر مخاطب (حاضر)





**(الف) امر غائب:** با قراردادن «ل» بر سر مضارع غائب و متکلم و مجزوم نمودن آخر آن ساخته می‌شود. مانند: لِيَذْهَبْ، لِيَذْهَبَا، لِيَذْهَبُوا، لِيَذْهَبْ، لِيَذْهَبَا، لِيَذْهَبِينَ، لَأَذْهَبْ، لِيَذْهَبْ.

تذکره ۱ امر غائب به صورت **مضارع التزامی** ترجمه می‌شود.

### نمونه تستی

(سراسری هنر ۸۵)

عین حرف «لام» الجازمة:

- (۱) لِيَعِفَ الْمُسْلِمُ عَنْ بَعْضِ الْأَخْطَاءِ (۲) جِئْنَا لِنَرِيَ آثَارَكُمْ الْجَمِيلَةَ  
(۳) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيَهْدُوا (۴) جِئْتُ إِلَيْكَ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ

گزینه «۱» تنها در این گزینه «لام» اول جمله آمده است و در گزینه‌های (۲) و (۳) «لام» حرف ناصبه و در گزینه (۴) حرف جرّ است.

تذکره ۱ هرگاه «ل» + فعل مضارع اول

جمله و یا پس از حروف عاطفه (و، ف، ثَم) و یا پس از فعل «قال» و مشتقات آن بیاید، «لام» امر غائب است و فعل مضارع، مجزوم می‌باشد. در غیر این صورت معمولاً مضارع منصوب بوده و «لام» حرف ناصبه است.

تذکره ۲ هرگاه «لام» بر سر اسم بیاید، حرف جرّ است.

### نمونه تستی

عَيْنُ الْخَطَأِ:

(۱) الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلُّ أَمْرٍ: عقل اصلاح‌کننده‌ی هر کاری است.

(۳) وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: مومنان بر خدا توکل می‌کنند.

گزینه «۳» «ل» + فعل مضارع اگر پس از حروف عاطفه (و، ف، ثَم) بیاید، لام امر غائب است و در این صورت به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. «فَلْيَتَوَكَّلِ» در گزینه (۳) به صورت مضارع اخباری ترجمه شده که اشتباه است.

تذکره ۳ هرگاه «لام» امر غائب پس از حروف عاطفه (و، ف، ثَم) بیاید، آخر فعل ساکن می‌شود. مانند: فَلْيَتَوَكَّلْ / وَيُذْهَبْ

**(ب) امر مخاطب:** امر مخاطب (حاضر) از شش صیغه‌ی مضارع مخاطب به روش زیر ساخته می‌شود:

۱- حرف مضارعة (ت) را حذف می‌کنیم.

۲- در صورتی که پس از حذف حرف مضارعة (ت)، حرف پس از آن متحرک باشد، با مجزوم نمودن آخر فعل، فعل امر ساخته می‌شود.

مانند: تُكْرَمُونَ ← كَرِّمُوا / تُجَاهِدُونَ ← جَاهِدُوا / تُجَاهِدُونَ ← جَاهِدُوا

۳- اگر پس از حذف حرف مضارعة (ت)، حرف پس از آن ساکن (ـُ) باشد، یک همزه (ا) به ابتدای فعل اضافه نموده و برای تعیین حرکت آن به حرکت عین‌الفعل (دومین حرف اصلی فعل) توجه می‌کنیم. بدین صورت که:

اگر عین‌الفعل مضموم (ـُ) باشد، همزه را مضموم می‌کنیم. مانند: تُكْتَبُونَ ← اُكْتُبُوا / تُعْبَدُونَ ← أُعْبَدُوا

اگر عین‌الفعل مفتوح (ـِ) و یا مکسور (ـِ) باشد، همزه را مکسور می‌کنیم. مانند: تَذْهَبُونَ ← إِذْهَبُوا / تَجْلِسُونَ ← اجْلِسُوا

اگر فعل مضارع در باب افعال باشد، همزه امر آن مفتوح است. مانند: تُكْرَمُونَ (باب افعال) ← اُكْرَمُوا

### نمونه تستی

ما هو الصَّحِيحُ فِي الْأَمْرِ؟

(۱) تُرْشِدِينَ ← إِرْشَدِي

(۳) تَقْتَلِينَ ← لِقَتْلِي

گزینه «۴» در گزینه (۱) «ترشدين» باب افعال و امرش

«أرشدی» است، در گزینه (۲) «يذْهَبُونَ» مضارع غائب است، پس نمی‌توان

از آن امر حاضر ساخت و گزینه (۳) چون مضارع مخاطب است، از آن امر غائب ساخته نمی‌شود.

تذکره ۱ بنابراین چنانچه همزه‌ی فعل امر، مفتوح

باشد، حتماً از باب **افعال** است.

**۲ امر منفی (فعل نهی):** برای ساختن آن، حرف «لا» را

ابتدای هر یک از چهارده صیغه‌ی فعل مضارع ساده قرار داده و آخرش را مجزوم می‌کنیم. مانند:

تَجْلِسُونَ ← لَا تَجْلِسُوا / تَضْرِبَانِ ← لَا تَضْرِبَا

تذکره ۱ به حرف «لا» در امر منفی، «لا»ی نهی می‌گویند.

تذکره ۲ هرگاه «لا» + فعل مضارع اول جمله یا پس از حروف عاطفه (و، ف، ثَم) و یا «أَيْهَا، أَيُّهَا» بیاید، معمولاً «لا»ی نهی است و فعل

مضارع، مجزوم می‌شود، در غیر این صورت معمولاً «لا» نفی بوده و فعل مضارع، مرفوع خواهد بود. (فعل مرفوع فعل مضارعه که حرکت حرف آفرش تغییر نکرده باشد).

مانند: «لَا تَرُجْ إِلَّا رَيْكَ وَ لَا تَخَفْ إِلَّا ذَنْبَكَ» «أَيُّهَا التَّالِمِيذَاتُ لَا تَلْعَبْنَ فِي الشَّارِعِ» «الرَّعِيَّةُ لَا يُصَلُّهَا إِلَّا الْعَدْلُ»

مضارع مرفوع

مضارع مرفوع

مضارع مرفوع

مضارع مرفوع

تذکره ۳ حرف «لا» بر سر صیغه‌های مضارع غایب در اول جمله، معمولاً «لا»ی نفی است و فعل مضارع، در این حالت مرفوع می‌باشد.

مانند: «لَا يَخَافُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا اللَّهَ» (مؤمن جز از خدا نمی‌ترسد) «لَا يُقَالُ إِلَّا الْحَقُّ» (غیر از حق گفته نمی‌شود)

۱۳- عین نوع الفعل في العبارة التالية: «كان ميكل أنجلو يقول»

- (۱) ماضی بعید (۲) ماضی نقلی  
 ۱۴- ما هي ترجمة؟ «ذلك الرجل لم يخرج من المسجد»

- (۱) آن مرد از مسجد خارج نشد.  
 (۲) آن مرد از مسجد خارج نمی‌شود.  
 (۳) آن مرد از مسجد خارج نشده بود.  
 (۴) آن مرد از مسجد خارج نمی‌شد.

۱۵- مَيِّر ترجمة الصحيح لهذه العبارة: «كُنْتُ قد ذَهَبْتُ»

- (۱) رفته بودی (۲) می‌رفتم (۳) رفته بودم (۴) رفته‌ام

۱۶- ما هو الخطأ؟

- (۱) كان الغزالي يسافر (۲) كانت الحيوانات تأكل (۳) كانوا الأولاد يذهبون (۴) كانت الدار تضيء

۱۷- أی فعل معناه يعادل فعل «لم يذهبين»؟

- (۱) لَمَا يَذْهَبُوا (۲) لَمْ تَذْهَبِي (۳) مَا ذَهَبِي (۴) لَا يَذْهَبِي

۱۸- عَيْن الصحيح لِأمر «تُخْرِجُن»

- (۱) إِخْرِجُن (۲) أَخْرِجُن (۳) أُخْرِجِي (۴) أَخْرِجُن

(سراسری ریاضی ۸۴)

۱۹- «رُزْتُ صديقتي التي لم تُشف من مرضها، ثم خَرَجْتُ سريعاً لِتَسْتَرِيح»:

- (۱) دوستی را که مریضی او معالجه نشده بود زیارت کردم و بعد از رفتن من استراحت کرد.  
 (۲) رفیقم را که از مرض خود شفا یافته بود ملاقات کردم و برای راحتی او شتابان خارج شدم.  
 (۳) از دوستم دیدن کردم، همان که از بیماری شفا نیافته است.  
 (۴) دوستم را که از بیماریش بهبودی نیافته بود ملاقات کردم پس فوراً بیرون رفتم تا استراحت کند.

(سراسری زبان‌های فارسی ۸۴)

۲۰- «لَن نَسِي حفلة تكريم الطالبات المجتهدات اللاتي نجحن في المسابقات العلمية»:

- (۱) ما هرگز جشن سیاست‌گزاری از دانش‌آموزان موفق در مسابقات علمی را فراموش نمی‌کنیم.  
 (۲) جشن احترام به دانشجویان پرتلاش را که در مسابقه‌های علمی شرکت کرده‌اند از یاد نمی‌بریم.  
 (۳) مراسم بزرگداشت محصلان کوشایی را که در رقابت‌های علمی پیروز می‌شوند فراموش نکرده‌ایم.  
 (۴) جشن بزرگداشت دانش‌آموزان تلاش‌گر را که در مسابقات علمی برنده شدند فراموش نخواهیم کرد.

(سراسری عمومی انسانی ۸۰)

۲۱- «يا هم رفته بوديم تا روزنامه‌ای بخريم»:

- (۱) كُنَّا قد ذَهَبْنَا معاً لنشترى جريدة (۲) كُنْتُ قد ذَهَبْنَا مع الآخريين لِأشترى الجريدة  
 (۳) كُنَّا نَذْهَبُ مع بعض حتى نشترى جريدة (۴) كُنَّا أَذْهَبُ مع غيري حتى أَشترى الجريدة

(سراسری هنر ۸۰)

۲۲- «می‌گفتی اگر درس بخوانیم قبول می‌شویم»:

- (۱) كُنْتُ قد قُلْتُ إن دَرَسْتُمْ نَجَحْتُمْ (۲) كُنْتُ تقولين إن دَرَسْنَا نَجَحْنَا  
 (۳) كُنْتُ تقولين إن تَدْرُسُونَ تنجحون (۴) كُنْتُ قد قُلْتُ إن تَدْرُسُوا تنجحوا

(سراسری ریاضی ۸۰)

۲۳- «المجتمع الذي يَتَمَسَّكُ بالأخلاقِ الحسنة لَن يغرق في مستنقعات الحياة»:

- (۱) جامعه‌ای که به اخلاق حسنه متمسک شود در باتلاق‌های زندگی غرق نخواهد شد.  
 (۲) چنانچه جامعه‌ای به اخلاق نیکو روی بیاورد در گرداب‌های زندگی غرق نخواهد شد.  
 (۳) هرگاه جامعه‌ای به اخلاق حسنه چنگ درزند هرگز در باتلاق‌های زندگی غرق نمی‌گردد.  
 (۴) آن جامعه که متمسک به اخلاق نیکو شده است هرگز در گرداب زندگی غرق نمی‌شود.

(سراسری عمومی انسانی ۸۲)

۲۴- عَيْن الخطأ: «تو با ظالمان دشمنی می‌کنی و مظلومان را کمک می‌نمایی»

- (۱) إِنَّكَ تُخَاصِمِينَ الظالمين و تعينين المظلومين (۲) أَنْتَ تُخَاصِمُ الظالمين و تعين المظلومين  
 (۳) أَنْتَ تُخَاصِمِينَ الظالمين و تعينين المظلومين (۴) إِنَّكَ تُخَاصَمَتِ الظالمين و أَعْنَتِ المظلومين



۲۵- «اذا تَسَنَّكَ المسلمون بالثقافة الاسلامیة نجحوا فی حیاتهم»:

- ۱) آن گاه که مسلمانان به تمدن اسلام متوسل شده باشند در زندگیشان رستگار خواهند شد.
- ۲) هرگاه مسلمانان به فرهنگ اسلامی متمسک شوند در زندگی موفق می گردند.
- ۳) هر وقت که مسلمین به تمدن اسلامی پناه برده اند در زندگی پیروز شده اند.
- ۴) چون مسلمانان به فرهنگ اسلام پایبند شده اند در زندگی موفق می شوند.

۲۶- «المعلمون یشجعون طلابهم الی التمتع من فرص الخیر و اغتنامها»:

- ۱) آموزگاران شاگردان را به استفاده از فرصت های نیک و غنیمت دانستن آنها تحریک می کردند.
- ۲) معلم ها به بهره بردن دانش آموزان و مغتنم دانستن آنها فرصت های خوب را تشویق می کنند.
- ۳) آموزگاران دانش آموختگان خویش را به سود بردن از اوقات نیک و مغتنم شمردن آنها برمی انگیزند.
- ۴) معلمان دانش آموزان خود را به بهره بردن از فرصت های خوب و غنیمت شمردن آنها تشویق می کنند.

۲۷- «یُنَجِّی المعلم شعبه من الجهل و یواصل رسالته المهمة لتحقیق اهدافه»:

- ۱) معلم برای نجات ملت خویش از جهل، رسالت مهم خود را برای تحقیق اهدافش ادامه می دهد.
- ۲) آموزگار ملت ها را از نادانی رها می سازد و برای رسالت خود تا محقق ساختن اهداف مهمش تلاش می کند.
- ۳) معلم ملت خود را از نادانی می رها کند و رسالت مهم خویش را برای به انجام رساندن اهدافش ادامه می دهد.
- ۴) آموزگار ملت ها را از جهالت نجات داده و با ادامه رسالت با ارزش خود برای محقق شدن اهداف تلاش می کند.

۲۸- «متهم وقتی حکم قاضی را شنید از عکس العمل مردم ترسید»:

- ۱) المتهم حیثما سمع حکم القاضی یخاف من رد فعل الناس
- ۲) لما سمع المتهم حکم القاضی خاف من رد فعل الناس
- ۳) حین سمع القاضی حکم المتهم اخذ یخاف من صورة فعل الناس
- ۴) عندما المتهم قد سمع رأی القاضی وقع فی الخوف من فعل الناس



- ۱- گزینه «۳» تاء مربوطه (ة) نشانه‌ی اسم است.
- ۲- گزینه «۴» مضاف شدن، تاء مربوطه و مجرورشدن از علائم اسم می‌باشند.
- ۳- گزینه «۳» در گزینه (۱) «قَدْ انْعَدْتُ» به‌خاطر حرف تاکید «قد» و «ت»، در گزینه (۲) «اسلمتم» و «هاجرتم» بدلیل وجود «تم» و در گزینه (۴) «لا تحسبن» به‌خاطر وجود نون تاکید ثقیله (ن) و نیز «قيلوا» به‌خاطر دلالت بر انجام عمل در زمان گذشته، فعل می‌باشند.
- ۴- گزینه «۳» کلمات «قال: گفت، تعالی: بلندمرتبه است، آمنوا: ایمان آوردید و تفلحون: رستگار شوید» بدون نشانه‌ی ظاهری‌اند، اما بر انجام کار یا روی دادن حالت در گذشته یا حال دلالت دارند، پس فعلند و کلمات «إصبروا، صابروا، رابطوا و اتقوا» چون مجزوم‌اند (ن) از آخر این افعال حذف شده و مجزوم به حذف «ن» اعراب می‌باشند فعلند.
- ۵- گزینه «۴» افعال در این گزینه عبارتند از: «قل» زیرا مجزوم است و «أنزل و يعلم» که بر انجام کار دلالت دارند. سه گزینه دیگر هر کدام یک فعل دارند که عبارتند از: در گزینه (۱) «يقولن» به‌خاطر داشتن نون تاکید، در گزینه (۲) «سأل» و گزینه (۳) «نشأت» که بر انجام کار در گذشته دلالت دارند.
- ۶- گزینه «۲» با حذف نون تاکید (ن) و مضموم نمودن فتحه ماقبل آن (تحسب) و نیز با توجه به معنای عبارت: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند را مرده مپندار»، صیغه‌ی «للمخاطب» صحیح است.
- ۷- گزینه «۳» «شاهد: مشاهده کرد، خاف: ترسید، بدأ: شروع کرد» فعل‌های این عبارت می‌باشند که همگی بر انجام کار در گذشته دلالت دارند.
- ۸- گزینه «۳» این گزینه پنج فعل دارد که عبارتند از: «قال، تعالی، ألقى، ألقى، تسعی». گزینه (۱) سه فعل: «تقرضوا، يضاعف، يغفر»، گزینه (۲) دو فعل: «اکثر و تعدد» و گزینه (۴) دو فعل: «أنزل، ليمتنن» دارد.
- ۹- گزینه «۱» صیغه‌ی «لِلْغَائِبِينَ» این فعل «نبتنا» و «لِلْمَخَاطَبِينَ» آن «نبتنما» می‌شود و ریشه‌ی آن «نبت» است.
- ۱۰- گزینه «۱» اگر نون تاکید را از آخر فعل حذف نموده و فتحه ماقبل آن را به ضمه تبدیل کنیم «يُفَكِّرُ» می‌شود که صیغه‌ی «لِلْغَائِبِ» است.
- ۱۱- گزینه «۳» گزینه (۱) امر صیغه «للمخاطبة»، گزینه (۲) مضارع منصوب یا مجزوم صیغه‌ی «لِلْغَائِبَاتِ» و گزینه (۴) مضارع صیغه‌ی «للمخاطبة» می‌باشد.
- ۱۲- گزینه «۴» «يَكْتَبَانِ» صیغه «لِلْغَائِبِينَ» می‌باشد و صیغه‌های «لِلْمَخَاطَبِينَ، لِلْمَخَاطَبِينَ، لِلْمَخَاطَبَاتِ» هم شبیه به هم‌اند.
- ۱۳- گزینه «۳» «كان» با فعل مضارع، ماضی استمراری می‌شود.
- ۱۴- گزینه «۱» «لم» با فعل مضارع، معنای ماضی منفی می‌دهد.
- ۱۵- گزینه «۳» «كان» با فعل ماضی، ماضی بعید می‌شود. در گزینه (۲) «می‌رفتم» ماضی استمراری، در گزینه (۴) «رفته‌ام» ماضی نقلی است و گزینه (۱) نیز هر چند ماضی بعید است اما چون متکلم‌وحده را به‌صورت مخاطب ترجمه کرده، اشتباه می‌باشد.
- ۱۶- گزینه «۳» هرگاه پس از فعل «كان» اسم بیاید، فعل «كان» به‌صورت مفرد بکار می‌رود و فقط از نظر جنس (مذکر، مؤنث) با اسم و فعل پس از خود مطابقت می‌کند.
- ۱۷- گزینه «۳» «لم + فعل مضارع» از نظر معنا معادل «ما + فعل ماضی» است.
- ۱۸- گزینه «۴» همزه فعل امر در باب افعال، مفتوح (-) است و «ن» در صیغه‌های (۶ و ۱۲) به هنگام مجزوم شدن حذف نمی‌شود. همان‌طور که بعداً خواهیم خواند «ن» در این دو صیغه نون عوض رفع نیست، بلکه ضمیر است.
- ۱۹- گزینه «۴» هرگاه دو جمله به گونه‌ای پشت‌سر هم بیایند که فعل هر دو در معنای ماضی باشند، فعل ماضی در جمله دوم را به‌صورت ماضی بعید ترجمه می‌کنیم. تنها گزینه (۴) فعل «لم تَشَفَّ» را که پس از فعل ماضی «زُرْتُ» در جمله‌ی اول آمده، به‌صورت ماضی بعید ترجمه کرده است و فعل مضارع منصوب «لِتَسْتَرِيحَ» فقط در این گزینه به‌صورت مضارع التزامی ترجمه شده است.
- ۲۰- گزینه «۴» علاوه بر اشتباهات دیگر در سایر گزینه‌ها، تنها گزینه‌ای که مضارع منصوب به «لن» (لن ننسی) را آینده منفی ترجمه نموده، گزینه (۴) است.

۲۱- گزینه «۱» در گزینه‌های (۳) و (۴) «کُنَّا نذهب» و «کُنَّا أذهب» ماضی استمراری‌اند (کان + فعل مضارع) نه ماضی بعید (رفته بودیم) و در گزینه (۴) «کان» با فعل مضارع پس از خود از نظر صیغه نیز مطابقت ندارد، در گزینه (۲) نیز فعل «کان» با فعل ماضی پس از خود از نظر صیغه مطابقت ندارد. (البته این گزینه‌ها اشتباهات دیگری نیز دارند).

۲۲- گزینه «۲» در گزینه‌های (۱) و (۴) «کان + فعل ماضی»، ماضی بعید است و «می‌گفتی» ماضی استمراری است و در گزینه (۳) علاوه بر اینکه فعل شرط و جواب شرط باید مجزوم باشند، صیغه‌ی فعل‌هایش «للمخاطبین» است در صورتی که نیاز به متکلم مع‌الغیر داریم.

پادآوری: «إن، من، ما، متى و...» هرگاه بر سر دو جمله بیایند، فعل اول را به عنوان فعل شرط و فعل دوم را به عنوان جواب شرط مجزوم می‌کنند.

۲۳- گزینه «۱» دو گزینه (۳) و (۴) علاوه بر اشتباهات دیگر، مضارع منصوب به «لن» (لن یغرق) را به صورت آینده منفی ترجمه کرده‌اند و گزینه (۲) نیز جمله را شرطی ترجمه کرده است.

۲۴- گزینه «۴» فعل‌های این گزینه ماضی‌اند، در صورتی که با توجه به عبارت باید به صورت مضارع می‌آمدند.

۲۵- گزینه «۲» «إذا» در این عبارت از ادوات شرط (غیرعامل) است، بنابراین در ترجمه، معنای شرطی باید حفظ شود. از طرفی در جملاتی که معنای شرطی دارند، افعال شرط و جواب شرط چه ماضی و چه مضارع باشند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند. (فعل شرط غالباً به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری یا آینده).

۲۶- گزینه «۴» المعلمون: معلمان / يُشجَّعون: تشویق می‌کنند / طلابهم: دانش‌آموزان خود را / الی: به / التمتع: بهره بردن / من: از / فُرص الخیر: فرصت‌های خوب / و: و / إغتنامها: غنیمت شمردن آنها

۲۷- گزینه «۳» ینجی: نجات می‌دهد / المعلم: معلم / شعبه: ملت خود را / من: از / الجهل: نادانی / یواصل: ادامه می‌دهد / رسالته المهمّة: رسالت مهم خویش را / لتحقيق: برای به انجام رساندن / اهدافه: اهدافش

در عربی هرگاه اسمی همزمان، هم مضاف‌الیه و هم صفت داشته باشد، ابتدا مضاف‌الیه و سپس صفت آن می‌آید؛ اما در فارسی ابتدا صفت و بعد مضاف‌الیه ترجمه می‌شود: «رسالته المهمّة: رسالت مهم او».

۲۸- گزینه «۲» هر دو فعل عبارت، ماضی‌اند؛ بنابراین گزینه (۱) که فعل آن به صورت مضارع آمده، نادرست است. در گزینه (۳) عبارت «أخذ يخاف» به معنای «شروع به ترسیدن کرد» است که معادلی در عبارت سؤال ندارد، از طرفی «قد + ماضی» ماضی نقلی می‌سازد و هم‌چنین بنا به ترجمه نادرست «عکس‌العمل» گزینه (۴) نیز نادرست است. (عکس‌العمل: ردّ الفعل)